


Court Jurisdiction in Lawsuits Related to Civil Registry Documents, with Emphasis on Judicial Practice

Mahdi Hasanzadeh¹ 

1. Professor of Private Law, Law Faculty, University of Qom, Qom, Iran, m.hasanzadeh@qom.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article type: Scientific Article</p> <hr/> <p>Received: 2025/05/12</p> <p>Received in revised form: 2025/10/30</p> <p>Accepted: 2026/02/14</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Court of the Plaintiff's Domicile; Court of the Place Where the Document Was Issued; Disputes Concerning Civil Registry Documents; Territorial Jurisdiction of the Court.</i></p>	<p>Article 4 of the Civil Registration Law sets forth the rule that, in disputes concerning civil registry documents, jurisdiction lies with the court of the plaintiff's domicile. The Note to that Article, as an exception to the rule stated in the main text, provides for two exceptional situations: (1) where the document was issued in Iran and the plaintiff resides abroad; and (2) where the plaintiff resides abroad and the document was also issued abroad. Article 25 of the Code of Civil Procedure, in an incomplete formulation, reproduces the wording of the Note to Article 4 of the Civil Registration Law while omitting the rule contained in the main text of that Article. This legislative arrangement has given rise to ambiguity and competing interpretations. The present study shows that, in enacting Article 25 of the Code of Civil Procedure, the legislature merely intended to consolidate the rules relating to jurisdiction, rather than to negate the rule set out in the main text of Article 4 of the Civil Registration Law. Nevertheless, in transferring the content of Article 4 of the Civil Registration Law into Article 25 of the Code of Civil Procedure, the legislature acted imprecisely.</p>
How To Cite	Hasanzadeh , Mahdi. (2026). Court Jurisdiction in Lawsuits Related to Civil Registry Documents, with Emphasis on Judicial Practice. Journal of Judgment, 125(1), 89-103. http://doi.org/10.22034/judg.2026.2064826.1516
DOI	10.22034/judg.2026.2064826.1516
	©2025 The Author(s): This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, As long as the original authors and sources are cited. No permission is required from the authors or the publishers.
Publisher	Publications of the Judiciary of Tehran Province

صلاحیت دادگاه در دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال با تأکید بر رویه قضایی

مهدی حسن زاده^۱

استاد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: m.hasanzadeh@qom.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی	ماده ۴ قانون ثبت احوال، قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان در دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال را بیان کرده است و در تبصره این ماده، به منزله استثنای قاعده مذکور در متن ماده، حکم دو حالت نادر نیز بیان شده است؛ ۱. حالتی که سند در ایران تنظیم شده و خواهان مقیم خارج باشد و ۲. حالتی که خواهان مقیم خارج باشد و سند هم در خارج تنظیم شده باشد. قانونگذار در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی در بیانی ناقص، عبارت تبصره ماده ۴ ق.ث.ا را تکرار کرده و از آوردن عبارت متن ماده یاد شده پرهیز کرده است. این وضعیت سبب ابهامات و طرح نظریات متقابل شده است. طبق بررسی‌ها، اقدام قانونگذار در وضع ماده ۲۵ ق.آ.د.م صرفاً به منظور تجمیع مقررات مربوط به صلاحیت بوده و نه نفی حکم متن ماده ۴ ق.ث.ا، اما در انتقال حکم ماده ۴ ق.ث.ا به ماده ۲۵ ق.آ.د.م بی‌دقتی کرده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱۱/۲۵	
کلیدواژه: دادگاه اقامتگاه خواهان، دادگاه محل تنظیم سند، دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال، صلاحیت محلی دادگاه.	
استناد	حسن زاده، مهدی. (۱۴۰۵). صلاحیت دادگاه در دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال با تأکید بر رویه قضایی، فصلنامه قضاوت، ۱۲۵(۱)، ۸۹-۱۰۳.
DOI	http://doi.org/10.22034/judg.2026.2064826.1516
ناشر	انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

ماده ۴ ق.ث.ا^۱ (مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۱۶) مقرر کرده است: «رسیدگی به شکایات اشخاص ذی نفع از تصمیمات هیئت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید و رأی دادگاه فقط پژوهش‌پذیر است. مهلت شکایت از تصمیم هیئت حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است. تبصره: هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی با دادگاه محل صدور سند و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد، با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود».

ماده ۲۵ ق.آ.د.م نیز اعلام کرده است: «هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی نفع مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد، در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود». این ماده مربوط به دعوی راجع به اسناد ثبت احوال است و در این دعوی، اداره ثبت احوال، به عنوان خواننده، طرف دعوا واقع می‌شود (زراعت، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

ماده ۲۵ ق.آ.د.م جایگزین تبصره ماده ۴ ق.ث.ا شده است (عرب، ۱۳۹۰: ۴۵) و همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متن ماده ۲۵ ق.آ.د.م با تغییر اندکی در عبارت، همان تبصره ماده ۴ ق.ث.ا است. این در صورتی است که این تبصره حالت‌های استثنایی دعوی مربوط به ثبت احوال را بیان کرده و حالت اصلی در متن ماده ۴ آمده است. به این ترتیب، قانون‌گذار قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ در بی‌دقتی آشکاری، در ماده ۲۵ این قانون، بدون توجه به حالت اصلی که در متن ماده ۴ ق.ث.ا بیان شده است، حالت‌های فرعی و استثنایی آن را بازگو کرده است! نقص و ایراد عبارت ماده ۲۵ ق.آ.د.م سبب اظهارنظرهای مختلف و دیدگاه‌های متعددی شده است.

در خصوص دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال و وضعیت مواد ۴ ق.ث.ا و ۲۵ ق.آ.د.م، از نظر تحلیلی، سه احتمال و دیدگاه در این زمینه مطرح شده است. در دادگاه‌ها هم آرای مختلف و متفاوتی در این خصوص صادر شده است. در این پژوهش این دیدگاه‌ها و رویه‌ها بررسی می‌شوند.

۱. دیدگاه نسخ ماده ۴ ق.ث.ا و صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده

در خصوص دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال، چهار حالت قابل تصور است: اول. خواهان مقیم ایران و سند نیز در ایران تنظیم شده باشد. دوم. خواهان مقیم ایران، ولی سند در خارج تنظیم شده

۱. قانون ثبت احوال

۲. قانون آیین دادرسی مدنی

باشد. سوم. سند در ایران تنظیم شده، اما خواهان مقیم خارج باشد. چهارم. سند در خارج تنظیم شده و خواهان هم مقیم خارج باشد (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۲۷؛ مهاجری، ۱۳۹۰: ۱۶۴؛ افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۴). متن ماده ۴ ق.ث.ا حکم وضعیتی را که خواهان مقیم ایران باشد که شامل حالت اول و دوم می‌شود، بیان کرده است و در تبصره آن ماده نیز، حکم حالت‌های سوم و چهارم بیان شده است.

اما در ماده ۲۵ ق.آ.د.م صرفاً حالت‌های سوم و چهارم مطرح شده است و نسبت به حالت‌های اول و دوم، ساکت است. این در حالی است که حالت رایج و شایع که بیش‌ترین مصادیق را دارد، حالت نخست است و سایر حالت‌ها بسیار نادرند و مصادیق آن‌ها اندک است.

یکی از نویسندگان، بدون اشاره به حالت‌های چهارگانه دعای راجع به اسناد ثبت احوال، دعای مربوط به اسناد ثبت احوال را که در ایران تنظیم شده باشد، در صلاحیت دادگاه محل تنظیم سند و دعای مربوط به اسناد ثبت احوال را که در خارج تنظیم شده، در صلاحیت دادگاه تهران، اعلام کرده است (نهرینی، ۱۳۹۳: ۲۳۴). بر اساس این دیدگاه، در مواردی که سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده است و خواهان هم در ایران اقامت دارد، دادگاه محل صدور سند، صلاحیت دارد و در مواردی هم که سند ثبت احوال در خارج صادر شده، ولی خواهان، مقیم ایران است، دادگاه تهران صالح است. این دو حکم برخلاف ماده ۴ ق.ث.ا احوال است. بنابراین دیدگاه یادشده را با توجه به نسخ ماده ۴ می‌توان تحلیل کرد؛ البته نظر به صلاحیت دادگاه تهران در موارد صدور سند ثبت احوال در خارج و اقامت خواهان در ایران، با هیچ‌کدام از مواد ۱۱ و ۲۵ ق.آ.د.م هم سازگار نیست.

سکوت ماده ۲۵ در خصوص وضعیتی که خواهان مقیم ایران است، سبب طرح مسئله نسخ ماده ۴ ق.ث.ا شده است. برخی اعلام کرده‌اند، پذیرش نسخ‌نشدن ماده ۴ ق.ث.ا با توجه به ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م آسان نیست؛ زیرا اگر قانون‌گذار متن ماده ۴ ق.ث.ا را منسوخ نمی‌دانست، تبصره آن را به صورت ماده ۲۵ در قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌آورد (مردانی و بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۵۸). نیامدن متن ماده ۴ ق.ث.ا در ماده ۲۵ ق.آ.د.م و آوردن تبصره ماده ۴ به منزله متن ماده ۲۵، مغایرتی ظاهری پدید می‌آورد که راه استناد به ماده ۵۲۹ ق.آ.د.م را هموار می‌کند، اما در بررسی دقیق موضوع، به دلایل متعددی پذیرش نسخ ماده ۴ دشوار می‌شود.

نخست اینکه، درست است که در ماده ۲۵ حکم متن ماده ۴ نیامده است، اما حکم متفاوتی هم بیان نشده است. به عبارت دیگر، ماده ۲۵ نسبت به حکم متن ماده ۴، سکوت کرده است و دلالت سکوت قانون لاحق نسبت به حکم مقررشده در قانون سابق، بر نسخ آن، احتیاج به دلایل و امارات و قرائن متعدد دارد.

دوم اینکه، ممکن است گفته شود، قانون‌گذار با سکوت خود، در واقع قصد داشته است امکان اجرای قاعده ماده ۱۱ ق.آ.د.م را در دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال فراهم کند. اما این گفته موجه و کامل نیست؛ زیرا ماده ۲۵ حکم دو وضعیتی را که مشمول متن ماده ۴ بوده‌اند، بیان نکرده است: الف. خواهان مقیم ایران باشد و سند نیز در ایران تنظیم شده باشد و ب. خواهان مقیم ایران باشد، اما سند در خارج از کشور تنظیم شده باشد. حکم این دو حالت، در متن ماده ۴ ق.ث.ا، صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان است.^۱ حال اگر به نسخ ماده ۴ در این قسمت قائل باشیم، در وضعیت اقامت خواهان در ایران و تنظیم سند در ایران، می‌توان به موجب ماده ۱۱ ق.آ.د.م دادگاه محل تنظیم سند (دادگاه محل اقامت خوانده) را صالح دانست. اما در فرض اقامت خواهان در ایران و تنظیم سند در خارج از کشور، نتیجه شمول حکم ماده ۱۱ به این وضعیت، با توجه به اینکه خواننده در ایران اقامت ندارد، در نهایت همان صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان خواهد بود. به این ترتیب، نتیجه در این حالت با فرض عدم نسخ ماده ۴ یکسان است.

مطلب سوم اینکه در فرض اقامت خواهان در خارج از کشور و تنظیم سند در ایران، به موجب تبصره ماده ۴ ق.ث.ا که حکم آن در ماده ۲۵ ق.آ.د.م تکرار شده است، دادگاه محل تنظیم سند صلاحیت دارد. این حکم با ماده ۱۱ ق.آ.د.م هماهنگ است. تکرار این حکم در ماده ۲۵ نشان می‌دهد که اگر قانون‌گذار قصد داشت، حکم متن ماده ۴ را درباره حالت نخست (یعنی اقامت خواهان در ایران و تنظیم سند در ایران) نسخ شده بداند و حاکمیت ماده ۱۱ را در آن مورد تثبیت کند، لازم بود همانند حالت تکرار شده در ماده ۲۵، به آن حالت نخست نیز صریحاً اشاره کند و صلاحیت دادگاه محل تنظیم سند (دادگاه محل خوانده) را مقرر بدارد.

دیدگاه نسخ ماده ۴ ق.ث.ا در دادنامه شماره ۳۸/۷۱۷/۸۴-۳۸/۱۱/۱۸-۱۳۸۴/۱۱ شعبه هشتم ۳۸ (سابق) دیوان عالی کشور با این بیان بازتاب یافته بود: «هرچند به موجب ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب سال ۱۳۵۵، رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال در دادگاه شهرستان یا بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید، لکن طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مؤخرالتصویب و وارد بر ماده ۴ قانون ثبت احوال است، دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و به موجب ماده ۵۲۹ قانون اخیرالذکر قوانین و مقررات مغایر با آن علی‌الاطلاق ملغی است». در پرونده کلاسه ۱۶۲/۸۶

۱. برخی از حقوقدانان با اینکه در خصوص حالتی که خواهان در ایران اقامت دارد و سند ثبت احوال هم در ایران صادر شده است، به ماده ۴ ق.ث.ا استناد کرده‌اند، در مورد حالت اقامت خواهان در ایران و صدور سند ثبت احوال در خارج، به ماده یادشده استناد نکرده‌اند، بلکه به استناد ماده ۱۱ ق.آ.د.م دادگاه محل اقامت خواهان را صالح دانسته‌اند (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۴). این اظهار نظر از این نظر که به اطلاق ماده ۴ ق.ث.ا و شمول آن بر هر دو حالت یادشده، توجه نکرده، قابل انتقاد است.

نیز شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی نطنز در دعوی خواهان به طرفیت اداره ثبت احوال تهران به خواسته ابطال شناسنامه و صدور شناسنامه جدید به موجب دادنامه ۲۰۶-۱۳/۰۵/۱۳۸۶ چنین رأی داده است: «... گرچه طبق ماده ۴ قانون ثبت احوال رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال در دادگاه محل اقامت خواهان به عمل می آید و لیکن چون طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی دعوا باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود و این ماده حکمی مغایر ماده ۴ وضع کرده و از طرفی بر طبق ماده ۵۲۹ از قانون اخیرالذکر قوانین و مقررات موضوعه در موارد مغایر ملغی اعلام شده است، بالتیجه دادگاه محل اقامت خوانده، یعنی دادگاه عمومی تهران صالح به رسیدگی به خواسته دعوا است» (سامانه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی).^۱ این آرا با توجه به آنچه گفته شد، قابل انتقادند و در رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۲۷/۰۴/۱۳۹۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، تأیید نشدند.

همچنین در برخی از پرونده های قضایی با موضوع اسناد ثبت احوال، دادگاه محل اقامت خواهان، بدون آنکه به نسخ ماده ۴ ق.ث.ا. تصریح کند، عملاً از حکم این ماده عدول کرده و به استناد صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، از خود نفی صلاحیت کرده است:

شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان سقز در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت اداره کل ثبت احوال استان لرستان به خواسته ابطال شناسنامه (درخواست تغییر سن)، پس از بررسی موضوع، به موجب دادنامه شماره ۰۶۰۰۶۱۳-۰۶/۰۲/۲۸-۱۴۰۱/۰۴/۱۳ با این استدلال که محل سکونت خوانده که بر اساس اظهارات خواهان و محتویات پرونده در حوزه قضایی خرم آباد واقع شده است، مستنداً به مواد ۱۱ و ۲۶ و ۲۷ ق.آ.د.م قرار عدم صلاحیت این مرجع را به اعتبار و شایستگی محاکم عمومی و حقوقی حوزه قضایی خرم آباد صادر و پرونده را برای رسیدگی به آن دادگاه ارسال کرده است. این نظر در رأی شماره ۱۶۹-۰۶۳۹۰۰۰۰۲۶-۱۴۰۱/۰۴/۱۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۳ شعبه دیوان عالی کشور، مورد تأیید واقع نشده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۲

همچنین در دعوایی که خواهان، دادخواستی به طرفیت اداره ثبت احوال خدابنده، تقدیم کرده و تغییر نام خود را خواستار شده است، شعبه دوم دادگاه عمومی نوشهر به موجب قرار شماره ۰۱۴۶۶-۱۳۹۴/۱۲/۲۶-۱۳۹۴ به اعتبار محل اقامت اداره خوانده، به صلاحیت دادگاه عمومی خدابنده از خود نفی صلاحیت کرده است. این رأی در دادنامه شماره ۱۱۱۶-۱۹۷۲۲۰۱۱۹۸۱۹۹۸۱۳ شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور، تأیید نشده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۳

۱. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/826305

۲. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35892>

۳. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35075>

در پرونده دیگری، خواهان، دادخواستی به طرفیت اداره ثبت احوال رشت به خواسته صدور حکم تغییر نام کوچک، به محاکم عمومی حقوقی شهرستان نوشهر تقدیم کرده که به شعبه ۲ ارجاع شده است. این شعبه پس از رسیدگی با استدلال به اینکه محل صدور شناسنامه خواهان در شهرستان رشت است و خواهان نیز اداره یادشده را که مستقر در شهرستان رشت است، مخاطب قرار داده است، خود را صالح به رسیدگی ندانسته و به شرح دادنامه شماره ۵۰۱-۱۳۹۵/۰۴/۲۷ قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاههای حقوقی شهرستان رشت صادر کرده است. این رأی هم در دادنامه شماره ۳۴۱-۰۳۴۱۹۷۲۲۰۰۹۸۱۹۵ مورخ ۱۴/۰۶/۱۳۹۵ شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور، تأیید نشده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۱

این آرا به دلایلی که توضیح داده شد، قابل انتقادند و تأییدنشدن آنها در دیوان عالی کشور نیز تأییدی است بر این انتقاد. نکته مهم این است که این آرا پس از صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۱۳۹۱/۰۴/۲۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور و با وجود آن، صادر شده که نشان‌دهنده اصرار برخی از دادگاههای بدوی بر نسخ ماده ۴ ق.ث.ا است.

۲. دیدگاه عدم نسخ ماده ۴ ق.ث.ا و صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان

در مقابل دیدگاه نسخ ماده ۴ ق.ث.ا، دیدگاهی است که این ماده را نسخ شده نمی‌داند. در استدلال بر عدم نسخ این ماده گفته شده است، ماده یادشده حاوی حکم خاصی است که حکم عام ماده ۱۱ ق.آ.د.م نمی‌تواند نسخ آن باشد. در ماده ۲۱ ق.آ.د.م سابق (مصوب ۱۳۱۸) نیز حکم موضوع ماده ۱۱ کنونی مقرر شده بود و با وجود ماده ۲۱ سابق، حکم خاص ماده ۴ ق.ث.ا وضع شده بود و اگر قانون‌گذار نظر به صلاحیت دادگاه محل تنظیم سند داشت، با وجود ماده ۲۱، ماده ۴ ق.ث.ا را وضع نمی‌کرد. فلسفه وضع ماده ۴ یادشده نیز این بود که افرادی که از محل تولد خود مهاجرت می‌کردند، مجبور نباشند برای اقامه دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال به شهر محل تولد، سفر کنند (مهاجری، ۱۳۸۷: ۱۲۸ و ۱۲۹).

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه شماره ۷/۷۸۹۰ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۷۳ بر خاص بودن ماده ۴ ق.ث.ا و وارد بودن آن بر ماده ۲۱ ق.آ.د.م سابق (ماده ۲۵ ق.آ.د.م کنونی) تأکید کرده بود (حیاتی، ۱۳۹۰ (ب): ۶۱).

شعبه هجدهم دیوان عالی کشور نیز به موجب دادنامه شماره ۶۳۹-۱۳۸۶/۰۸/۰۸ با این استدلال که ماده ۴ ق.ث.ا نسبت به ماده ۱۱ ق.آ.د.م، خاص است، به صلاحیت دادگاه محل اقامت

۱. تاریخ رویت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34999>

خواهان حکم داده بود (سامانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).^۱ این استدلال از این نظر که به عدم تنافی ماده ۱۱ ق.آ.د.م با ماده ۴ ق.ث.ا توجه کرده است، مهم است؛ اما باید توجه داشت که اساس طرح مسئله نسخ ماده ۴ ق.ث.ا، سکوت ماده ۲۵ ق.آ.د.م نسبت به حکم مقرر در متن ماده ۴ ق.ث.ا با وجود تصریح به تبصره آن است. بنابراین در صورت پذیرش مغایرت ماده ۲۵ ق.آ.د.م با ماده ۴ ق.ث.ا و نسخ ماده اخیر، راه برای حاکمیت ماده ۱۱ ق.آ.د.م بر دعاوی مربوط به اسناد ثبت احوال گشوده می‌شود و امکان استناد به آن در این دعاوی فراهم خواهد شد.

بنابراین، به منظور نفی نسخ ماده ۴ ق.ث.ا لازم است بر نفی مغایرت ماده ۲۵ ق.آ.د.م با آن استدلال شود و در این زمینه می‌توان مواردی را مطرح کرد که پیش از این در انتقاد از دیدگاه نسخ ماده ۴ ق.ث.ا گفته شد.

استناد هم‌زمان حقوقدانان به مواد ۴ ق.ث.ا و ۲۵ ق.آ.د.م هم‌گویای این مطلب است که مغایرت و تعارضی بین این مواد، ندیده‌اند (شمس، ۱۳۸۸: ۳۹۷؛ حیاتی، ۱۳۹۰ (الف): ۲۲۴). برخی نیز به صراحت بر عدم تعارض ماده ۲۵ ق.آ.د.م با ماده ۴ ق.ث.ا تأکید کرده‌اند (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۲۷/۴/۱۳۹۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز از این نظر مهم است که در آن به ارتباط مواد ۲۵ ق.آ.د.م و ۴ ق.ث.ا توجه شده و ماده ۲۵ مغایر با ماده ۴ شناخته نشده است.

اگرچه در رأی وحدت رویه یادشده به صلاحیت انحصاری دادگاه محل اقامت خواهان برای رسیدگی به دعاوی اسناد ثبت احوال تصریح نشده است، برخی از دادگاه‌ها از این رأی و ماده ۴ ق.ث.ا، چنین انحصاری را برداشت کرده و به صلاحیت انحصاری دادگاه اقامتگاه خواهان در دعاوی اسناد ثبت احوال و نفی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده نظر داده‌اند:

شعبه ۴ محاکم عمومی حقوقی شهرستان رشت با این استدلال که خواسته خواهان تغییر نام کوچک است و محل اقامت وی به شرح دادخواست، شهر نوشهر اعلام شده است و با توجه به

۱. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/826305

۲. «ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ که دادگاه محل اقامت خواهان را صالح برای رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال اعلام کرده است، بر حسب مستفاد از ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی با مقررات این قانون مغایرت ندارد؛ بنا به مراتب رأی شعبه هجدهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد موافق قانون تشخیص و به اکثریت آرا تأیید می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است» (سامانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ رؤیت ۱۴۰۴/۰۶/۲۶). https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/826305

حکم مقرر در ماده ۴ ق.ث.ا و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۱۰/۲۱/۱۳۹۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، مبنی بر اینکه رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد سجلی در صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان است و خواهان نیز با استفاده از اختیار قانونی خود، در دادگستری نوشهر اقامه دعوا کرده است، بنابراین به استناد ماده ۴ ق.ث.ا و رأی وحدت رویه مذکور و ماده ۲۷ ق.آ.د.م با نفی صلاحیت خود، طبق دادنامه شماره ۳۸۹-۰۷/۰۵/۱۳۹۵ قرار عدم صلاحیت به اعتبار شایستگی رسیدگی دادگستری نوشهر صادر کرده است. شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور نیز به موجب دادنامه شماره ۳۴۱-۰۳۲۲۰۱۹۷۲۲۰۰۹۹۸۹۵۰ مورخ ۱۴/۰۶/۱۳۹۵ اعلام کرده است: «با توجه به صراحت ماده ۴ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با اصلاحات بعدی مبنی بر اینکه رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان به عمل می‌آید و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۰۴/۲۷/۱۳۹۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، ضمن تأیید دادنامه شماره ۳۸۹-۰۷/۰۵/۱۳۹۵ صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی رشت حل اختلاف می‌گردد» (سامانه ملی آرای قضایی).^۱

شعبه چهارم دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان خرم‌آباد به موجب دادنامه شماره ۱۰-۱۰۸۲۷۰۷۱/۰۳/۱۴۰۱ با این استدلال که بنا بر مقررات قانونی به‌ویژه ماده ۴ ق.ث.ا به‌مثابه یکی از استثنائات اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان محل اقامت خواهان دعوا است، نه خواننده دعوا، رسیدگی به موضوع را خارج از صلاحیت خود و در صلاحیت محاکم عمومی حقوقی شهرستان سقز (اقامتگاه خواهان) دانسته و قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت محاکم عمومی حقوقی شهرستان سقز صادر کرده است. این رأی به موجب دادنامه شماره ۱۶۹-۰۲۶۰۱۶۳۹۰۰۰۰۶۳۹۰ مورخ ۱۳/۰۴/۱۴۰۱ شعبه دیوان عالی کشور، تأیید شده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۲

در تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۰۴ خواهان علیه اداره ثبت احوال شهرستان چاراویماق طرح دعوا و درخواست رسیدگی و صدور حکم بر ابطال شناسنامه و صدور شناسنامه جدید کرده است. شعبه اول دادگاه عمومی چاراویماق در دادنامه شماره ۱۶۱۵۰۰۰۰۷ مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۹۲ مستنداً به ماده ۴ ق.ث.ا قرار عدم صلاحیت به اعتبار محاکم عمومی شهر اسلامشهر (محل اقامت خواهان) صادر کرده است. این نظر به موجب دادنامه شماره ۱۴۰-۰۹۱۰۹۱۰۹۹۷۰۹۲۰ مورخ ۱۶/۰۴/۱۳۹۲ شعبه ۳ دیوان عالی کشور، با این عبارت، تأیید شده است: «مقررات آیین دادرسی مدنی از قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است، لذا قانون‌گذار بنا به مصالح و جهاتی در مورد صلاحیت

۱. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34999>

۲. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35892>

دادگاه‌ها حسب مورد، نظر خاص دارد از جمله به دستور ماده ۴ قانون ثبت احوال، طرح دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال الزاماً باید در دادگاه محل اقامت خواهان به عمل آید. لذا با توجه به عموم و اطلاق ماده یادشده به‌ویژه مفاد رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۲۷/۴/۱۳۹۱ صادره از هیئت عمومی دیوان عالی کشور رسیدگی به دعوا در صلاحیت شعبه سوم دادگاه عمومی اسلامشهر است «(سامانه ملی آرای قضایی)». نکته مهم این است که در این رأی، شعبه دیوان عالی کشور، برخلاف آنچه در اذهان در خصوص اختیاری بودن قواعد صلاحیت محلی است، ماده ۴ ق.ث.ا را از قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی دانسته است.

شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان بروجرد نیز در خصوص دادخواست خواهان به طرفیت اداره ثبت احوال بروجرد به خواسته تغییر نام، پس از بررسی موضوع به موجب دادنامه شماره ۰۴۵۴۸۶۴-۱۸/۲/۱۴۰۱ با این استدلال که دعوی مربوط به اسناد سجلی به استناد ماده ۴ ق.ث.ا می‌بایست در دادگاه محل اقامت خواهان به طرفیت اداره ثبت احوال صادرکننده سند سجلی مطرح شود و در این پرونده اگرچه سند سجلی خواهان از اداره ثبت احوال شهرستان بروجرد صادر شده، محل اقامت خواهان، ملایر عنوان شده است، خود را صالح به رسیدگی ندانسته، با استناد به ماده ۴ ق.ث.ا قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار و شایستگی دادگاه‌های شهرستان ملایر صادر و پرونده را برای رسیدگی به آن دادگاه ارسال کرده است. این نظر به تأیید شعبه دیوان عالی کشور رسیده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۲

درباره این مطلب که آیا ماده ۴ ق.ث.ا به موارد اقامه دعوی اشخاص بر اداره ثبت احوال اختصاص دارد یا شامل مواردی نیز می‌شود که اداره ثبت احوال بر اشخاص دیگر اقامه دعوا می‌کند، آرای مختلفی از دادگاه‌ها صادر و سبب بروز اختلاف شده است. شعبه ۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان نجف‌آباد به موجب قرار شماره ۰۲۵۰۲۵۸۸-۰۶۳۹۰۰۰۰۲۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۵ در خصوص دادخواست ثبت احوال به طرفیت خواندگان به خواسته تعیین تکلیف و حذف آثار غضب از سند سجلی مورد غضب و الزام خوانده ردیف دوم به ثبت فوت و ابطال سند سجلی فرزندش و خلع ید مدارک اخذشده از جمله کارت ملی، سند ازدواج و شناسنامه فرزندان از غاصب و اصلاح مشخصات پدر در شناسنامه فرزندان، نظر به محل اقامت خواندگان و مستنداً به ماده ۱۱ ق.آ.د.م و ذکر این نکته که صلاحیت مذکور در ماده ۴ ق.ث.ا در خصوص طرح دعوا در محل اقامت خواهان، ناظر به شکایات اشخاص ذی‌نفع از اقدامات و تصمیمات هیئت حل اختلاف و اداره ثبت است و نه عکس آن، قرار عدم صلاحیت به صلاحیت و شایستگی دادگاه

۱. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7254>

۲. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36125>

عمومی حقوقی شهرستان قم صادر و اعلام کرده است. سپس شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان قم، با وصول دادخواست اداره ثبت احوال شهرستان نجف آباد به طرفیت خواندگان، به موجب قرار شماره ۱۳۳۵۳۱۹۳/۰۰۳۳۹۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ با این استدلال که حسب ماده ۴ ق.ث.ا رسیدگی به دعوی راجع به اسناد ثبت احوال، در صلاحیت دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل محل اقامت خواهان است و ماده ۴ قانون مزبور به منزله مقررۀ خاص مقدم، مقررات عام قانون آیین دادرسی مدنی را در خصوص صلاحیت، تخصیص زده است و اطلاق دارد و شامل مواردی که خواهان نیز اداره ثبت احوال است، می شود و فقط شامل دعوی افراد علیه ادارات ثبت احوال نیست، خود را صالح به رسیدگی ندانسته و قرار عدم صلاحیت به صلاحیت و شایستگی دادگاه عمومی شهرستان نجف آباد استان اصفهان صادر و اعلام کرده است. این پرونده برای حل تعارض به شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور ارجاع شده و شعبه یادشده به موجب دادنامه شماره ۴۶۶۸۲۵۶/۰۰۴۹۲۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ نظر شعبه ۵ دادگاه عمومی نجف آباد را تأیید کرده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۱

مطلب دیگر، وضعیت شمول یا عدم شمول ماده ۴ ق.ث.ا نسبت به مواردی است که خواهان و خوانده دعوی مربوط به سند ثبت احوال، هر دو شخص حقیقی هستند. در این خصوص هم اختلاف نظر بین دادگاهها ایجاد شده است. در دادخواستی که یک شخص حقیقی به طرفیت اشخاص حقیقی دیگر تقدیم کرده و اثبات معقول بودن شناسنامه در قسمت مشخصات طلاق را خواستار شده است، نشانی خواهان در تهران و نشانی یکی از خواندگان در مشهد قید شده است و بقیه مجهول‌المکان اعلام شده‌اند. شعبه پنجم دادگاه عمومی مشهد با تشکیل چند جلسه در نهایت به موجب دادنامه شماره ۰۰۱۱۰-۱۳۹۳/۰۵/۰۵ به نفع خواهان رأی داده است. شعبه هفدهم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان با صدور دادنامه شماره ۰۰۹۲۲-۱۳۹۳/۰۸/۲۴ با نقض رأی دادگاه بدوی و به استناد ماده ۴ ق.ث.ا به صلاحیت دادگاه عمومی تهران که محل اقامت خواهان است، از خود نفی صلاحیت کرده است. شعبه ۳۱ دادگاه عمومی تهران نیز به موجب قرار شماره ۰۰۱۱۳-۱۳۹۳/۱۱/۱۸، صلاحیت را نپذیرفته و پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور فرستاده است. شعبه ۳۷ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۰۰۱۱۴۲-۹۱۰۹۹۸۵۱۱۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۵ با استناد به اطلاق ماده ۴ ق.ث.ا با اعلام صلاحیت دادگاه عمومی تهران، حل اختلاف کرده است (سامانه ملی آرای قضایی).^۲

۱. تاریخ رؤیت: 23/06/1404 <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36921>

۲. تاریخ رؤیت: 24/06/1404 <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/26384>

۳. دیدگاه جمع مواد ۴ ق.ث.ا و ۲۵ ق.آ.د.م و صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده و دادگاه محل اقامت خواهان

برخی در عین حال که ماده ۴ ق.ث.ا را به اعتبار خود باقی دانسته و به استناد آن، اقامه دعوی ثبت احوال را در محل اقامت خواهان، امکان‌پذیر دانسته‌اند، به استناد سکوت ماده ۲۵ ق.آ.د.م، در موارد اقامت خواهان در ایران، قاعده صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده (ماده ۱۱ ق.آ.د.م) را نیز حاکم دانسته و به امکان اقامه دعوی اسناد ثبت احوال در محل تنظیم سند نیز نظر داده‌اند (ابهری و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

این دیدگاه با توجه به اینکه به استناد سکوت ماده ۲۵ ق.آ.د.م، ماده ۱۱ این قانون را در دعوی اسناد ثبت احوال، در فرضی که هم محل اقامت خواهان و هم تنظیم سند در ایران باشد، حاکم می‌داند، مستلزم تأیید مغایرت ماده ۲۵ ق.آ.د.م با ماده ۴ ق.ث.ا است. با وجود این، چون این دیدگاه همچنان ماده ۴ ق.ث.ا را معتبر می‌داند، قابل تأمل است؛ مگر آنکه گفته شود، حکم ماده ۴ ق.ث.ا مبنی بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان، جنبه انحصاری ندارد و به معنای نفی صلاحیت دادگاه محل خواننده (محل تنظیم سند) نیست. با این حال، حتی در فرض پذیرش این برداشت نیز صلاحیت دادگاه محل تنظیم سند در مواردی که خواهان مقیم ایران است، ارتباطی با سکوت ماده ۲۵ ق.آ.د.م ندارد و وضع این ماده، تأثیری در این نتیجه ندارد.

برخی از حقوق‌دانان نیز در خصوص مواردی که خواهان در ایران اقامت دارد و سند ثبت احوال هم در ایران صادر شده است، با استناد به ماده ۴ ق.ث.ا، دادگاه محل اقامت خواهان را صالح دانسته‌اند. در عین حال این امر را نافی صلاحیت دادگاه محل صدور سند ندانسته‌اند (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۶: ۲۸۴).

در تأیید صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده علاوه بر دادگاه محل اقامت خواهان، می‌توان گفت، برخلاف اینکه گفته شده، علت استثناسدن دعوی راجع به اسناد ثبت احوال از صلاحیت اقامتگاه خواننده، این است که در این دعوی، اقامتگاه خواننده در ایران معلوم نیست (زراعت و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۴)، ماده ۴ ق.ث.ا به منظور تسهیل و ارفاق و رعایت نفع خواهان، دادگاه محل اقامت خواهان را صالح شناخته است. بر همین اساس، این موضوع منافات ندارد با اینکه اگر خواهان تمایلی به استفاده از این امتیاز نداشت، بتواند بر اساس قاعده عام صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دعوی مربوط به سند ثبت احوال را در محل تنظیم سند (اقامتگاه خواننده) اقامه کند. به عبارت دیگر، در چنین مواردی، خواهان از نفع خود در اقامه دعوا در محل اقامت خود می‌گذرد و با اقامه دعوا در محل خواننده، در راستای نفع خواننده اقدام می‌کند و چنین حالتی با هیچ اصل و قاعده دادرسی، مغایرت ندارد.

بنابراین، تفسیر ماده ۴ ق.ث.ا به گونه‌ای که دلالت بر صلاحیت انحصاری محل اقامت خواهان نکند، بلکه صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان، به منظور ارفاق و تسهیل برای خواهان و علاوه بر صلاحیت اقامتگاه خواننده (محل تنظیم سند) باشد، تفسیری منطقی و قابل قبول است. اگرچه برداشت از رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۱۳۹۱/۰۴/۲۷ این است که هیئت عمومی دیوان عالی کشور، صرفاً بر صلاحیت محل اقامت خواهان تأکید کرده و صلاحیت محل تنظیم سند را افزون بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان نپذیرفته است، اما تصریحی در این خصوص در این رأی وجود ندارد.

شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی ملایر به موجب دادنامه شماره ۰۷۳۸۶۴۶-۱۳۹۱/۰۳/۰۹ بر صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده (محل تنظیم سند) علاوه بر صلاحیت اقامتگاه خواهان، چنین استناد کرده است: «... هر چند که مطابق ماده ۴ قانون ثبت احوال رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال می‌بایست در دادگاه محل اقامت خواهان مطرح گردد، اما بایستی این مهم نیز مورد توجه قرار گیرد که قانون‌گذار از باب تسهیل کار برای خواهان است که وفق ماده قانونی مورد اشاره، محل اقامت خواهان را صالح به رسیدگی دانسته و این صلاحیت اضافه، نافی اصل اقامه دعوا در محل اقامت خواننده نمی‌باشد. ضمن اینکه در رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶-۱۳۹۱/۰۴/۲۷ نیز، دیوان عالی کشور مقررات مندرج در ماده ۴ از قانون ثبت احوال در بحث صلاحیت را، مغایر با قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ندانسته و همین امر گویای این مطلب است که خواهان در دعاوی مربوط به اسناد سجلی، در کنار اصل اقامه دعوا در محل اقامت خواننده، می‌تواند در محل اقامت خویش نیز طرح دعوا نماید. در واقع خواهان در دعاوی مربوط به اسناد سجلی جهت اقامه دعوا مختار در انتخاب و مراجعه به ۱. محل اقامت خواننده و یا ۲. محل اقامت خویش می‌باشد و با انتخاب هریک از مراجع مذکور، حق و تکلیف قانونی جهت رسیدگی به پرونده برای مرجع منتخب اولیه ایجاد می‌شود» (سامانه ملی آرای قضایی).^۱

شعبه سوم دادگاه عمومی اسلامشهر نیز به موجب قرار شماره ۰۲۶۸-۱۳۹۲/۰۳/۰۷-۷۲۸۸۵۳۰۰۲۶۸ دستور ماده ۴ قانون ثبت احوال را حاکی از نفی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده ندانسته است (سامانه ملی آرای قضایی).^۲

۱. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36125>

۲. تاریخ رؤیت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7254>

نتیجه گیری

در خصوص ماده ۲۵ ق.آ.د.م بررسی‌ها نشان می‌دهد، قانون‌گذار به منظور تجمیع مقررات مربوط به صلاحیت محاکم در باب اول از کتاب اول از قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۲۵ این قانون را به صلاحیت محاکم در دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال، اختصاص داده است. با این حال، در این زمینه، با بی‌دقتی و بدون توجه به حالت‌های مختلف دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال، صرفاً به آوردن عبارت تبصره ماده ۴ ق.ث.ا در متن ماده ۲۵ ق.آ.د.م اکتفا شده است و نمی‌توان سکوت این ماده در بیان حکم متن ماده ۴ ق.ث.ا را به منزله مغایرت دانست و به نسخ حکم متن ماده ۴ ق.ث.ا قائل شد. حکم عام ماده ۱۱ ق.آ.د.م نیز نمی‌تواند ناسخ حکم خاص ماده ۴ ق.ث.ا باشد. بنابراین، ترجیح با دیدگاهی است که ماده ۴ ق.ث.ا را نسخ‌شده نمی‌داند. در رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۱/۰۴/۲۷-۷۲۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز دیدگاه نسخ‌نشدن ماده ۴ ق.ث.ا تأیید شده است.

البته در تحلیلی منطقی می‌توان حکم متن ماده ۴ ق.ث.ا مبنی بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان را با قاعده عام صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده (مدرج در ماده ۲۱ ق.آ.د.م سابق و ماده ۱۱ ق.آ.د.م کنونی) منافی ندانست. بر این اساس، می‌توان دعوی مربوط به اسناد ثبت احوال را در فرض اقامت خواهان در ایران و تنظیم سند در ایران، در محل تنظیم سند، قابل اقامه تلقی کرد. اما این تحلیل با برداشت از رأی وحدت رویه یادشده هماهنگ نیست و با وجود چنین رأیی، نمی‌توان انتظار اقدام دادگاه‌ها طبق تحلیل یادشده را داشت. در عین حال، در رأی یادشده نیز به انحصار صلاحیت محل اقامت خواهان و امکان پذیر نبودن اقامه دعوی مربوط به سند ثبت احوال در محل اقامت خوانده (محل تنظیم سند) تصریح نشده است.

با توجه به وجود ماده ۴ ق.ث.ا، نقص ماده ۲۵ ق.آ.د.م و ابهامات و اختلاف نظرهایی که ماده ۲۵ پدید آورده است و با لحاظ اصل کفایت وجود احکام در هر قانون و لزوم پرهیز از تکرار احکام در قوانین، پیشنهاد می‌شود ماده ۲۵ ق.آ.د.م حذف شود.

منابع

۱. ابهری، حمید و برزگر، محمدرضا. (۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی (۱)، بابلسر: دانشگاه مازندران.
۲. افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی. (۱۳۹۶). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: میزان.
۳. حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۰ الف). آیین دادرسی مدنی (۱)، تهران: میزان.
۴. حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۰ ب). آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: میزان.
۵. زراعت، عباس. (۱۳۸۹). محشای قانون آیین دادرسی مدنی، تهران: ققنوس.
۶. زراعت، عباس؛ استادی، مونا و فلاح‌نژاد، فاطمه. (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی، تهران: دانش‌پذیر.

۷. سامانه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir>
۸. سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir>
۹. شمس، عبدالله. (۱۳۸۸). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد اول، تهران: دراک.
۱۰. عرب، حسن. (۱۳۹۰). مجموعه کامل محشای آیین دادرسی مدنی، کرج: پینار.
۱۱. مردانی، نادر و بهشتی، محمدجواد. (۱۳۸۹). آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: میزان.
۱۲. مهاجری، علی. (۱۳۸۷). مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران: فکرسازان.
۱۳. مهاجری، علی. (۱۳۹۰). قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: فکرسازان.
۱۴. نهرینی، فریدون. (۱۳۹۳). آیین دادرسی مدنی مراجع قضایی و غیرقضایی و حدود صلاحیت آن‌ها، جلد اول، تهران: گنج دانش.

آرای قضایی:

15. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35892>
16. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35075>
17. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34999>
18. https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/826305
19. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34999>
20. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/35892>
21. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/7254>
22. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36125>
23. <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36921>